

4Cs:

یک سیستم درجه بندی جهانی عرضه شده توسط GIA (اناستیتو جواهرشناسی آمریکا) برای ارزیابی کیفیت الماس. این 4Cs عبارتند از قیراط, رنگ , وضوح و تراش دادگی.

سنگ جواهر جلوه دهنده:

سنگ جواهر هایی که کانون اصلی توجه نیستند ولی مکمل سنگ جواهر مرکزی یا کناری هستند.

آلیاژ:

مخلوطی از دو یا چند فلز برای ایجاد ویژگی های دلخواه و یا قدرت بیشتر.

حرارت دادن و سرد کردن:

فرآیندی است که برای ایجاد انسجام, بافت یا سختی مورد نظر در یک آلیاژ با گرما دادن تدریجی و سپس سرد کردن انجام می پذیرد.

حلقه سالگرد:

حلقه ای از سه یا تعداد بیشتری الماس یا سنگ جواهر که معمولا روی میله تنظیم می شوند.

جواهر عتیقه:

جواهری که بیش از 100 سال قدمت دارد.

آنتی کلاستیک:

حالتی خمیده در دو جهت مخالف هم.

هنر تزئینی (آرت دکو):

یک استایل تزئینی در دهه های 1920 و 1930 که اشکال هندسی برجسته، الگوهای خطی و رنگ های گوناگون از ویژگی های آن است.

هنر نو (آرت نو یا آرنو):

یک استایل تزئینی در اواخر 1800 و اوایل 1900 که ویژگی های آن عبارتند از خطوط مستقیم و سبک شکل های طبیعی مانند گل ها و برگ ها و اشکال زنانه.

عیارگری:

فرآیندی که هنگامی که نسبت یک فلز گرانبهای درون طلا، نقره و سایر آلیاژ مشخص شد، انجام میگردد.

ویژگی:

خصوصیات یک محصول که می تواند شامل رنگ، طراحی، استایل، حالت، شکل یا نمای آن باشد

آزور:

نوزاد/جوان:

به معنای زیورآلات کوچکی است که نوزادان و کودکان و نوجوانان استفاده می کنند. گوشواره های ته گرد معمولاً کوتاهتر هستند و یک گیره محافظتی نیز دارند. حلقه ها معمولاً دارای اندازه 0 تا 3 هستند. دستبند ها از 5 تا 5.5 . گردنبند ها از 15 الی 16.

تونل آویز (لوپ یا بالامدال):

یک جزء فلزی قوس دار (بیضی یا اشکی شکل یا d شکل) که از آن برای آویزان کردن آویز از یک زنجیر یا طناب استفاده می شود. هدف از استفاده از آن این است که به درون زنجیر وارد شود به جای آنکه به آن لحیم شود تا دیگر جزء دائمی و ثابت زنجیر نباشد و آویز مستقل بتواند در طول زنجیر حرکت کند. حلقه:

انگشتی با عرض معمولاً یکسان که ممکن است با سنگ جواهرات ست شود.

دستبند انگویی:

یک دستبند بسته- با یا بدون لولا و گیره- که وارد دست می شود (اصطلاحاً سُر می خورد).

تزئین نامتعارف:

یک سنگ با شکل نامتعارف یا گلابی شکل. همچنین یک سبک هنری با ویژگی آراستگی زیاد در جزئیات.

فلز پایه:

یک واژه غیر رسمی برای اشاره به فلزات غیر قیمتی (مانند مس، آهن، روی، نیکل) که به طور معمول در جواهرات مصنوعی استفاده می شوند.

مخراج کاری سبدي:

یک نوع تنظیم میله ها با کناره های باز مشابه بافت سبد که اجازه می دهد تا قسمت پایینی سنگ جواهر قابل دیدن باشد.

Basse-taille:

یک تکنیک میناکاری که در آن ابتدا با حکاکی یا قلم زدن یک الگوی ظریف و خفیف ایجاد شده، سپس تمام الگو با میناکاری مات پر می شود.

مهره:

یک قطعه کوچک، معمولاً کرومی، که از مواد مختلفی ساخته می شود که ممکن است کامل یا به طور جزئی سوراخ شود. یک مهره که به طور کامل سوراخ شده ممکن است یک یا دو سوراخ داشته باشد که این امکان را فراهم می کند که به تنهایی یا همراه اجزای دیگر داخل یک رشته قرار گیرد.

مخراج کاری مهره:

روشی برای ایمن سازی یک سنگ جواهر که در آن یک میله فلزی کوچک توسط قلمزن بلند شده و روی لبه آن قرار می گیرد.

بلچر:

یک نوع تنظیم حلقه است که در آن میله ها از تنه شکل می گیرند بنابراین سنگ جواهر تا بالای محیط تنه ادامه نمی یابد.

مخراج کاری بزل:

روشی برای ایمن سازی یک سنگ جواهر که در آن یک زنجیر فلزی, شانه سنگ جواهر را احاطه می کند و از روی جواهر نیز عبور می کند تا آن را در جای خود نگه دارد.

سنگ تولد: یک سنگ قیمتی یا نیمه قیمتی که معمولاً مربوط به ماه تولد است.

- ژانویه: گارنت
- فوریه: آمیتیست
- مارس: آکوامارین
- آوریل: الماس
- می: زمرد
- ژوئن: مروارید
- جولای: یاقوت
- آگوست: پریدوت
- سپتامبر: یاقوت کبود
- اکتبر: اوپال
- نوامبر: سیتزین
- دسامبر: توپاز

جواهرات بدن:

جواهراتی که به طور خاص در پیرسینگ (سوراخ کردن) بدن استفاده می شوند.

دستبند:

یک بند یا زنجیر تزئینی دایره ای شکل برای مچ دست، بازو و گاهی مچ پا.

دستبند کشویی:

یک جواهر مهره ای شکل که دارای دو سری سوراخ است تا درون دستبندی با دو زنجیر یا رشته قرار گیرد.

ست عروس:

یک ست شامل حلقه نامزدی و یک زنجیر عروسی است که کنار هم استفاده می شوند.

جلوه دهنده پل:

یک عنصر طراحی شده زیر سنگ مرکزی که با نگاه کردن به انگشتر از نمای انگشت، قابل مشاهده است.

برش درخشان:

یک تکنیک کنده کاری که در آن فلز را با یک ابزار براق کننده می تراشند تا سطح صیقلی به دست آید.

درخشندگی:

مربوط به الماس، این واژه از دو بخش تشکیل شده: یکی درخشش و دیگری کُنتراست. درخشش مربوط به میزان نوری است که الماس به محیط منعکس می کند و به چشم بیننده می رسد. برای درخشندگی، الماس نیاز به کُنتراست هم دارد، که شدت نور سفید تاج یک الماس یا سایر سنگ جواهرات است. درخشندگی به این عوامل بستگی دارد: سختی، ضریب انکسار، بازتابندگی، براقی، جلا و تقارن.

سنجاق سینه:

یک قطعه جواهر که معمولاً با یک سنجاق صاف و تیز به همراه لولا به لباس چسبانده یا بسته می شود.

زنجیر بولک:

زنجیری که دارای گیره نیست و دارای لبه های خام و برش خورده است و هنوز آماده استفاده نیست.

مخراج کاری باترکاپ (آلاله):

یک تنظیم که شامل 6 میله متصل به یک پایه کنگره دار است و مانند گل آلاله می باشد.

بای‌پس (تقاطع):

یک نوع طراحی حلقه است که دو طرف حلقه به هم نمی‌رسند ولی روی هم می‌افتند یا تقاطع می‌کنند.
کابوکون (سنگ جواهر کوژ تراشیده):

یک سنگ جواهر وجه بندی نشده کوژ (محدب) تراشیده شده صیقلی.

CAD/CAM:

طراحی و ساخت به کمک کامپیوتر.

کامئو (برجسته تراشی):

یک مدل طراحی با برش های برجسته در سنگ جواهر.

قیراط:

واحد وزن سنگ جواهرات قیمتی و نیمه-قیمتی، معادل 200 میلی گرم.

مخراج کاری کلیسای (گِیدرال):

یک نوع تنظیم که در آن کناره های حلقه بالای هر دو طرف سنگ قوس می‌زنند که از نمای انگشت قابل دیدن است.

بست:

به بست سنجاق مراجعه شود.

سنگ جواهر مرکزی:

سنگ جواهر اصلی در طراحی که نقطه کانونی جواهر به حساب می آید.

زنجیر:

یک سری از حلقه ها یا اتصالات فلزی که به یک گیره متصل اند.

سوار کردن(به هم چسباندن یا مونتاژ) گیره:

فرآیند محکم کردن زنجیر که معمولا شامل یک زنجیر و یک گیره است.

انتهای زنجیر:

حلقه آخر یک انتهای زنجیر که حلقه آخر انتهای دیگر زنجیر می تواند به آن قلاب شود.

برچسب زنجیر:

یک قطعه فلزی مسطح دارای سوراخ که علامت کیفیت یا علامت تجاری می تواند روی آن منقوش شود.

شامپلیو(champlevé):

یک تکنیک تزئینی میناکاری که با ایجاد خطوط و واحدهای کنده کاری شده روی فلز، مشخص می شود و مشابه تکنیک cloisonne است با این تفاوت که پارتیشن ها در این تکنیک جزوی از پایه اند.

گوشواره لوستری:

یک عدد از یک جفت گوشواره تزئینی بلند که از یکی از گوش ها آویزان است و معمولا بیشتر از یک واحد پایین آمده است.

مخراج کاری کانالی:

یک تنظیم که در آن سنگ جواهرات در ناودان هایی بین دو دیوار نزدیکتر به هم قرار گرفته اند.

چارم(مهره دلریا):

یک شیء مینیاتوری که می تواند نمایانگر یک نماد یا شکل یا حرف یا چیز دیگری باشد که به وسیله یک گیره مدل بهار یا حلقه پرش به دستبند متصل شود.

- یک چارم آویزدار یک حلقه پرشی یا گیره تونلی دارد که اجازه می دهد که چارم به جلو و عقب تاب بخورد

- یک چارم مهره ای یک مهره بزرگ و تجملی است که سوراخ های بزرگی دارد که اجازه می دهد که چارم به زنجیر دستبند متصل شود.

دستبند آویزدار:

دستبندی که چارم به آن متصل است یا برای این هدف ساخته شده است.

میله V شکل (chevron=درجه نظامی روی بازو):

میله ای V شکل که معمولا در سنگ جواهراتی که گوشه های تیز دارند یافت می شوند.

گردنبند چوکر (طوقی):

گردنبندی که به راحتی اطراف گلو قرار می گیرد و 14 الی 15 واحد طول دارد.

طرح تاج قلب (Claddagh):

یک طراحی حلقه ایرلندی سنتی که نمایانگر دو دست است که یک قلب تاج دار را در آغوش کشیده است و بیان کننده دوستی و یا عشق است.

وضوح:

اصطلاحی برای بیان وجود یا عدم وجود کاستی یا نقص (عدم شفافیت) در یک سنگ جواهر.

بستن (در آغوش یا دست گرفتن):

فرآیندی برای اتصال یا نگه داری اشیاء کنار هم.

میله:

یک سیم یا میله ای که برای نگه داشتن و ثابت کردن سنگ جواهر استفاده می شود.

:Cloisonné

یک تکنیک میناکاری باستانی که یک طرح با سیم های خمیده از نوارهای فلز (معمولا با لحیم کاری) روی پایه فلزی اجرا می شود که تشکیل بخش های منفردی را می دهند که با میناکاری رنگ آمیزی شده پر می شوند.

خوشه:

چند سنگ جواهر که در یک تنظیم گروه بندی شده اند که ممکن است با هم تقاطع بکنند یا نه.

:Dura colbalt

یک آلیاژ جدید مقاوم به زنگ زدگی که شامل کبالت و کروم است.

گردنبند کولار:

یک گردنبند مشابه چوکر (طوقی) که به راحتی اطراف گردن قرار می گیرد.

درجه رنگ:

رنگ یکی از ویژگی های تشخیص کیفیت الماس است. انیستیتیو جواهرشناسی آمریکا مقیاسی را از D تا Z ارائه کرده است که D کمرنگ تر و با ارزش تر در نظر گرفته می شود.

راحتی متناسب:

بیانگر تحذب داخلی حاقه یا دستبند است.

Contemporary (به روز و مدرن):

بیانگر طراحی های مدرن و جدید محبوب در صنعت است.

فلزات مدرن:

بیانگر آلیاژ هایی است که جزء آلیاژ های سنتی با ارزش به حساب نمی آیند. برخی از این آلیاژ های ارزان عبارتند از تیتانیوم، کربید تنگستن، فولاد ضد زنگ و کبالت-کروم.

جواهر مصنوعی:

جواهرات ساخته شده با جواهرات و مواد نه چندان گران.

رشته:

یک طناب یا رشته نازک انعطاف پذیر که می تواند به جای زنجیر در گردنبند استفاده شود. این رشته می تواند از ساتن، چرم، پلاستیک و سایر مواد جایگزین ساخته شود.

تاج:

قسمتی از یک سنگ جواهر برش خورده که بالاتر از کمر ولی پایین تر از رویه آن قرار می گیرد.

دستبند باز:

دستبندی که در طراحی آن یک دهانه ای وجود دارد تا به راحتی وارد دست شود.

دکمه سرآستین:

یک بست تزئینی مشابه دکمه که برای بستن سرآستین پیراهن استفاده می شود که ممکن است از دو دکمه یا بخش های دکمه مانند تشکیل شده باشند که از طریق یک زنجیر یا میخ از درز آستین عبور می کنند.

زیر پهنه ی برلیان:

سطح زیرین و مسطح الماس یا سایر جواهرات.

برش:

برش یکی از عوامل تعیین کننده درخشندگی الماس است. برش مواردی نظیر درخشندگی، برآقی را از طریق ایجاد تناسب و تقارن تعیین می کند.

CZ:

فرم کوتاه شده ای برای کوبیک زیرکونیا، یک سنگ جواهر دست ساز برای شبیه سازی الماس است ولی حدود 64% از آن سنگین تر است.

آویز گوش:

گوشواره ای که تا پایین تر از لاله گوش ادامه یافته و به گونه ای طراحی شده که به جلو و عقب تا بخورد.

سبک دانمارکی مدرن:

یک سبک طراحی که از عناصر دهه 1960 استفاده می کند. طراحی ها در ژانر عملکرد مطابق ساختار(حالت) و در ارائه، حداقلی هستند.

عمق:

در مورد سنگ جواهر به معنای فاصله ی رویه تا زیر پهنه است.

المان طراحی:

یک نوع ویژگی استفاده شده برای توضیح خصوصیات یک جواهر

قطر:

در مورد سنگ جواهر به معنای عرض کل است.

زنجیر الماس برش:

لبه های تیز به سمت سطح زنجیر برش داده می شود بنابراین اتصالات برق می زنند و نور را جذب می کنند.

فرآیند Die struck:

فرآیندی برای ساخت بخش سر جواهرات که در آن فشار بسیار زیادی اعمال می شود .

تجزیه نور:

توانایی الماس برای شکست نور به اجزای تشکیل دهنده آن.

گوشواره دراپ(اشکی):

گوشواره ای که تا پایین گوش می آید و ساکن و ثابت است.

:DWT

سرواژه ای برای پنی وزن (واحدی برای وزن) که برابر یک بیستم یک اونس است.

گوشواره چنبری:

نوعی گوشواره که حدفاصل (حاشیه) گوش را دنبال می کند.

گوشواره:

یک قطعه جواهر که روی گوش یا لبه آن پوشیده می شود. انواع محبوب آن عبارتند از: لوستری، خوشه ای، آویزان، دراپ، لولایی، میخی، ژاکت گوشواره.

ژاکت گوشواره:

یک اکسسوری تزئینی برای گوشواره که به وسیله یک میخ به گوش محکم می شود.

Earring Post:

یک ایمان میخ مانند که به پشت گوشواره ای که از سوراخ گوش رد شده است متصل می شود. مثال های آن عبارتند از: پیچی و اهرمی.

پشتی گوشواره:

یک دیسک یا یک مهره با یک سوراخ که Earring post از آن عبور می کند تا گوشواره را به گوش محکم کند. مثال های آن عبارتند از: پیچی، فشاری، امگا، کلاچ.

کلاچ گوشواره:

یک نوع پشتی گوش که بعد از عبور از سوراخ گوش به یک Earring post متصل می شود. کلاچ گوشواره برای محکم کردن گوشواره در گوش به کار می رود.

سیم گوشواره (ear wire):

سیمی که برای بستن گوشواره به گوش سوراخ شده استفاده می شود و مدل های محبوب آن عبارتند از قلاب فرانسوی، اهرمی.

ادواردین:

(توضیحی درباره چستی آن آورده نشده) ویژگی های آن عبارتند از مليله دوزی مناسب و توری مانند که در سال های 1900 تا 1914 محبوب بود و با پلاتین ساخته می شد تا قدرت و استحکام خوبی داشته باشد.

میناکاری:

یک شیشه یا ماده نیمه شفاف که در سطح فلزی استفاده می شود برای مقاصد تزئینی یا محافظتی.

حلقه نامزدی:

حلقه ای که نشان دهنده این است که دارنده آن نامزد کرده است و به طور سنتی مخصوصا در فرهنگ غرب تنها زنان آن را به دست می کردند.

Enhancer (تقویت کننده):

عنصری که به یک جواهر موجود اضافه می شود تا جلوه جدیدی به آن بدهد. برخی از مثالهای آن عبارتند از: اینهنسر حلقه و مروارید و آویز.

حکاکي:

فرآیند برش یا تراشیدن یک نقش خاص بر روی فلز.

حلقه عشق بی نهایت (Eternity):

حلقه ای که توسط یک یا تعداد بیشتری ردیف از سنگ جواهرات احاطه شده است.

رویه:

سطح صاف و صیقلی یک سنگ جواهر که بر درخشندگی و تلالو آن موثر است.

جواهر تجملی (fancy):

جواهری که آمیزه ای از نوآوری و وسواس است. این جواهر محبوب و به روز است و احتمالاً کلاسیک و از مد افتاده نخواهد شد.

جواهر خانوادگی:

جواهراتی که معمولاً به طور شخصی سفارش داده می شوند و از سنگ تولد در آن ها استفاده می شود تا نمایانگر هر عضو از خانواده باشد.

حلقه ازدواج تجملی:

حلقه ازدواجی که عوامل تزئینی بیشتری در آن نسبت به حلقه ساده لحاظ شده است.

حلقه مدرن:

حلقه ای که نمایانگر یک استایل یا گرایش امروزی است.

ملیله دوزی:

کارهای تزئینی توری مانند که از تعدادی سیم پیچیده شده در یک فلز با ارزش تشکیل شده است. می تواند ساده یا پیچیده یا بافته باشد.

افزار:

یک جز یا بخش که در تولید یک قطعه جواهر به کار رفته است.

پرداخت:

یک بافت تزئینی اعمال شده بر سطح جواهر برای بهبود جلوه آن.

درخشانی:

نور پراکنده شده از الماس که در طیف رنگی رنگین کمان است.

Flush-set:

یک تکنیک مخراج کاری که سنگ جواهر در میان حلقه قرار داده می شود و فلز حلقه برای محکم کردن سنگ جواهر به کار می روند. بنابراین تنها بخش فوقانی سنگ قابل مشاهده است.

بریدگی های عمودی:

یک ناودان تزئینی در سطح که جاذبه بصری ایجاد می کند.

بی شکل:

یک شکل یا طراحی نامتقارن.

قلاب فرانسوی:

یک سیم گوشواره که شکلی مانند قلاب داشته و برای گوشواره های اشکی استفاده می شود.

گالری:

فضای منفی قرار گرفته روی بخش فوقانی.

سنگ جواهر:

یک ماده معدنی یا ارگانیک، زیبا، کمیاب و دوام و پایداری برای فرستاده شدن به جواهرفروشی.

Gallery rail/bearing:

لبه فلزی قرار گرفته روی بخش فوقانی جواهر ولی زیر کمر سنگ جواهر

شکل سنگ جواهر:

مربوط به گزینه های بالقوه شکل و اندازه که یک سنگ جواهر می تواند بر اساس آنها تراشیده شود.
طرح کلی یک سنگ جواهر نباید با الگوی رویه بندی اشتباه شود.

سنگ خالص:

سنگی که توسط طبیعت و بدون هیچ گونه دخالت انسانی ساخته شده است. سنگ های طبیعی را نباید
با سنگ های پرداخته نشده (تغییر داده نشده) اشتباه گرفت.

کمر:

لبه یا کناره باریکی که بخش های پایینی و بالایی را از هم جدا می کند.

طلا:

یک عنصر فلزی زرد با ارزش که بسیار چکش خوار و رسانا است و زنگ زده یا اکسید نمی شود.

گرم:

گرم یک سیستم اندازه گیری وزن است. یک اونس تقریباً 31.10 گرم است.

قلم:

ابزاری برای برش طرح‌ها روی فلز و برای مخراج کاری سنگ‌های با ارزش که این وسیله از فولاد ساخته شده است.

گوارسه:

یک تکنیک تزئینی سطح جواهر که در آن دانه‌های کوچکی از فلزات گرانبها با الگوهای برای ایجاد جاذبه بصری روی سطح به کار می‌روند.

Guilloche:

یک تکنیک میناکاری که در آن الگوهای دقیق و متقارن روی فلز کار می‌شوند. نام آن از یک مهندس فرانسوی گرفته شده است که ماشینی را برای همانند سازی این الگو اختراع کرد.

مخراج کاری نیمه-بزل:

روشی برای محکم کردن سنگ جواهر که در آن حلقه‌ای از فلز تنها بخشی از کمر سنگ را در بر می‌گیرد و از روی آن چین می‌خورد تا آن را نگه دارد.

هالمارک:

نمره یا نشان کیفیت که بیانگر ارزش محتوای فلزی است. معمولاً روی بخشی که خیلی در دید نباشد قرار می‌گیرد. FTC از سازندگان و توزیع‌کنندگان محصولات مذکور می‌خواهد که هویت آن‌ها را با استفاده از نشان کیفیت به همراه نشان تجاری یا نام شرکت در اختیار سایرین قرار دهد.

Halo:

یک نوع مدل جواهر که یک سنگ جواهر در وسط دارد و اطراف و مرز آن نیز تعدادی سنگ جواهر کوچکتر قرار دارد.

سر:

بخشی از جواهر که از سنگ جواهر محافظت می کند.

تونل یا لوپ مخفی:

یک لوپ که به دور از دید در پشت یک آویز قرار گرفته تا آویز در زنجیر شناور باشد.

لولا:

یک میله که درون لوله ای فلزی قرار می گیرد و به شیء اجازه مفصل شدن می دهد. به طور معمول روی جعبه ها و بسته ها وجود دارد.

گوشواره حلقه ای:

گوشواره ای که عموماً دایره و به شکل حلقه کامل یا ناکامل است.

گوشواره چفتی:

یک گوشواره حلقه ای کوچک که در نزدیکی گوش قرار می گیرد. چون نسبت به گوشواره حلقه ای باریک تر است انگار که گوش را بغل می کند. یک لولا در پایه (قاعده) خود دارد که به سمت شانه است و یک ناودان در عقب دارد که به طور محکم بتواند به پشت خود متصل شود.

هایپوآلرژنیک:

اصطلاحی برای توصیف مواردی که باعث ایجاد واکنش های حساسیت خفیف تری می شوند. بسته به ماده حساسیت زا (آلرژن) این مواد می تواند شامل تیتانیوم، فولاد و طلا هم باشد.

Illusion set:

یک تکنیک مخراج کاری ارائه شده توسط وَن کلیف و آرپل در سال 1933 که در آن، الماس در حلقه ای از فلز صیقلی قرار می گیرد، بنابراین چنین به نظر می آید که جزئی از سنگ جواهر است که باعث می شود اندازه الماس بزرگتر به نظر آید.

خاتم کاری:

قرار دادن قطعه ای از سنگ جواهر یا چوب یا موارد دیگر در شکاف های ایجاد شده روی تزئینات.

مخراج کاری نامحسوس:

یک تکنیک مخراج کاری که در آن میله ها و قسمت های پشتیبانی کننده مشخص نیستند. سنگ جواهر در یک ناودان قرار دارند که یک قالب سیمی باریک آن را در جای خود نگه می دارد.

حلقه پرش:

یک حلقه سیمی در هر سائیزی که معمولا بیضی یا دایره ای است و برای اتصال اجزای جواهرات استفاده می شود.

قیراط (معادل عیار در فارسی):

واحد اندازه گیری خلوص طلا که برای طلای خالص 24 است.

دسته کلید:

وسیله ای برای نگه داشتن کلیدها کنار هم که معمولا یک حلقه فلزی است.

کینتیک:

جواهرات طراحی شده برای حرکت، چرخش و تغییر کردن. بخش های متحرک تثبیت شده اند و معمولا نمی توان آن ها را از جواهرات اصلی جدا کرد.

کیت:

یک محصول تزئینی که شامل اجزائی است که همه با هم فروخته می شوند و معمولا کنار هم نسبت به حالت جدا جدا ارزان تر است.

سنجاق سینه:

یک قطعه جواهر که یک میخ یا میله نیز به آن متصل است تا اتصال مجموعه را محکم کند. ممکن است یک میخ برای قسمت سینه هم داشته باشد. معمولاً از نظر اندازه کوچکتر از یک اینچ است.

گردنبند لاریت:

یک گردنبند مشابه طناب بلند بدون گیره که معمولاً به یک گره حلقه زده شده است، بنابراین به دو انتهای آن اجازه می‌دهد که به سمت پایین و جلو آویزان شود.

[Link bracelet](#):

دستبندی که از اجزای مشابه یا متفاوت متصل به هم تشکیل شده است. اتصالات به هم پیوسته هستند و نیازی به لولا نیست.

لاکت:

یک صندوق یا جعبه کوچک تزئینی که یک یا چند فضا برای نگه داری عکس یا یادگاری دارد و برای آویزان شدن از زنجیر طراحی شده است. لاکت می‌تواند در طراحی دستبند و حلقه نیز به کار رود. منظره دید از بالا به پایین (نمای دید پرنده):

نمایی که نگاه کردن به حلقه را از نمای بالا یا نمای دید پرنده توصیف می‌کند.

شناسه پزشکی جواهرات:

یک علامت یا لوگوی پزشکی قابل شناسایی حک شده برای آگاهی دیگران از مسائل پزشکی مرتبط با جواهر مانند حساسیت های دارویی و غذایی و سایر موارد.

ریز الماس:

رده بندی استفاده شده برای طبقه بندی الماس هایی با کمتر از 17 قیراط.

میکرو پاوه:

یک روش مخراج کاری بسیار دقیق مشابه با پاوه (Pave) ولی در آن از سنگ جواهر های بسیار کوچک استفاده می شود.

مینیمالیزم:

اصطلاحی برای توضیح جنبشی در طراحی و معماری در حدود دهه های 1960 و 1970 که سازه ها (اعم از ساختمان و جواهرات) تا جایی که فقط عناصر ضروری استفاده شود, کوچک شدند.

موزینیت:

یک ماده معدنی کمیاب کشف شده توسط هنری مویسان که بعداً در آزمایشگاه ها تولید شد و به عنوان جایگزین با کیفیت الماس معرفی شد.

گیره پول:

یک گیره چین خورده برای نگه داره اسکناس تا خورده یا کارت های اعتباری به جای کیف پول.

Mounting (مخراج):

یک قطعه جواهر مخراج کاری شده که هنوز سنگ جواهری بر آن سوار نشده است. این قطعه نیاز به پردازش بیشتری ندارد و استثنای آن مخراج نیمه مخراج کاری شده است که تنها نیاز به قرار دادن یک سر روی آن دارد.

گردن آذین:

قطعه ای جواهر که می تواند زنجیری از جواهرات, مهره ها یا سنگ های قیمتی و غیره باشد که اطراف گردن را می پوشاند.

نیوبیوم:

یک فلز خاکستری-طوسی تازه.

:Nugget jewelry/ring

یک جواهر با یک طراحی برای تقلید و اغراق در نمای توده ای از فلز گرانبها و معمولا طلا.

گیره اُمگا:

یک سیم متصل و لولا شده به پشت گوشواره که به عنوان مکانیسمی برای نگه داشتن گوشواره در جای خود استفاده می شود.

اُرگانیک:

یک مدل طراحی که از انحناهای جریان آزاد و سطوح مشابه آن ها در طبیعت, مانند برگ و درخت تاک, استفاده می کند.

زنگ(زنگار):

رنگ پدیدگی طبیعی که به مرور زمان در فلزاتی چون نقره و برنز رخ می دهد و ممکن است در برخی مواد شیمیایی به عنوان یک عامل زیبایی به حساب آید.

پاوه(Pave=مفروش کردن):

یک نوع مخراج کاری که در آن سنگ جواهرات نزدیک به هم و معمولا در یک ردیف قرار می گیرند تا جایی که تمام سطح آن جواهر نهایی از این سنگ جواهر ها پوشیده یا مفروش شود.

پاویلیون:

بخش پایین تر از کمر در یک جواهر برش خورده

اینهنسر مروارید:

یک آویز لولا شده با یک لوپ گیره مانند که اجازه می دهد که به مروارید یا دانه های گردنبند یا هر گردنبندی که امکان ورود به آن وجود نداشته باشد, متصل شود.

سر میخ:

یک مخراج با یک میخ متصل به آن که به راحتی می تواند با وارد کردن میخ به یک سوراخ ,به جواهرات دیگر متصل شود. به طور معمول در حلقه های نامزدی نیمه مخراج کاری شده استفاده می شوند.

آویز:

یک قطعه تزئینی برای آویزان شدن از گردنبند.

اینهنسر آویز:

یک آویز که طوری طراحی شده که آویز دیگر بتواند از درون آن آویزان شود.

پنی وزن(واحد اندازه گیری وزن است):

یک واحد اندازه گیری وزن برای فلزات گرانبها که مساوی یک بیستم یک اونس است.

سوراخ شده(پیرس شده):

در جواهر شناسی به طراحی هایی با الگوهای منظمی از ورودی ها و سوراخ ها اشاره دارد.

سنجاق:

هر نوع جواهری که بوسیله یک میخ تیز به لباس متصل است. می تواند سنجاق سینه یا سنجاق کراوات باشد.

گیر کردن:

مکانیسم محکم شدن ساقه سنجاق

ساقه سنجاق:

یک میخ نوک تیز روی یک لولا که مناسب وارد شدن و سوراخ کردن لباس است.

پلاتین:

یک فلز سنگین غیر قابل زنگ زدن با قدرت فشاری بالا که از زمان استفاده شروع به نغیراتی می کند اما جزئیاتش را حفظ می کند.

Plique-a-Jour:

یک تکنیک میناکاری که یک طرح روی فلز پیاده شده و با میناکاری رنگ دار پر می شود ولی قابل برگشت نیست.

فلز با ارزش:

فلزات کمیابی که ارزش اقتصادی دارند. طلا و نقره و پلاتین و پالادیوم.

سنگ جواهر با ارزش:

گروهی از سنگ جواهر هایی شامل طلا و یاقوت ها و زمرد و یاقوت کبود

فلز نخستین:

فلزی که در یک آلیاژ عمده وزن را تشکیل می دهد.

پروفایل:

پروفایل یک منظره یا دید مقطعی است مانند : مسطح, مسطح درون مدور, لبه تیز و ...

حلقه تعهد:

حلقه ای که آن را به نشانه تعهد به یک رابطه به دست می کنند و معمولا یک یا دو ریز الماس روی آن سوار می شود.

پروتوتایپ یا پیش الگو:

یک نمونه یا الگوی یک جواهر که با استفاده از مواد بی ارزش و کم قیمت ساخته می شود.

حلقه پازل:

چندین حلقه که کنار هم قرار می گیرند تا یک حلقه را تشکیل دهند.

بازپرداش:

فرآیند جدا کردن قطعاتی از یک جواهر و مخراج کاری دوباره آن ها. گاهی اوقات به جای نیمه-پرداش شده استفاده می شود.

حلقه:

یک قطعه جواهر که در انگشت ها قرار می گیرند.

حلقه گارد:

حلقه ای که معمولا با دو تنه طراحی می شود تا یک حلقه دیگر درون آن قرار گیرد.

ریویرا:

یک نوع گردنبند که از سنگ جواهر های انعطاف پذیر تشکیل شده است که از نظر اندازه تدریجا کوچک می شوند.

:Rolling ring

انگشتی که معمولا از سه یا تعداد بیشتری حلقه ساخته شده است. هنگامی دست کردن و خارج کردن این انگشت، حلقه ها روی هم می چرخند.

هلال:

یک مهره صفحه ای شکل صاف یا به شکل دونات که به عنوان جلوه دهنده میان مهره های دیگر استفاده می شود.

گیره ایمنی:

گیره ای که به برخی از دستبند ها و گردنبند ها برای محکم تر کردن اضافه می شود.

مخراج کاری حلزونی:

یک تکنیک مخراج کاری که در آن میله ها از بدنه تشکیل می شوند و نمونه آن مدل دم ماهی است.

درخشش:

انعکاس و بازگشت شدید نور مرئی چه زمانی که فرد به جواهر نگاه می کند یا نور تکان می خورد.

:Scooped ring

یک حلقه با یک ناودان مقعر در درون آن که برای کاهش وزن و کاهش قیمت تعبیه شده است.

سنگ جواهر نیمه قیمتی:

سنگ جواهری که الماس یا یاقوت یا زمرد یا یاقوت کبود نیست مانند آمیتیست و پریدوت و آکوآمارین.

انگشتر نیمه پردازش شده با سری:

هر نوع انگشتر نامزدی که با سنگ های جانبی به جواهری فروخته می شود که سنگ مرکزی ندارد هر چند سری آن قرار داده شده است.

انگشتر نیمه پردازش شده بدون سری:

هر نوع انگشتر نامزدی که با سنگ های جانبی به جواهری فروخته می شود که سنگ مرکزی ندارد ولی سری سنگ مرکزی نیز قرار داده نشده است.

مخراج کاری:

فرآیند محکم کردن سنگ جواهر. این اصطلاح گاهی به جای پردازش هم استفاده می شود.

حلقه در سایه:

یک حلقه طراحی شده که در کنار حلقه نامزدی استفاده می شود. طراحی آن به گونه ای است که مستقلاً استفاده نمی شود.

تنه:

حلقه طراحی شده ولی بدون سری مرکزی که بدون آن ناکامل است. یا به عبارتی بخشی از انگشتر که انگشت را در بر می گیرد.

شانه:

بخش بالاتر از تنه

سنگ جانبی:

سنگ جواهرهایی که مکمل بوده و قرار داده می شوند تا توجه بیشتر به سنگ مرکزی باشد. این سنگ ها نسبت به سنگ های جلوه دهنده بزرگتر هستند.

نمای جانبی:

نمایی برای دیدن حلقه از کنار

نقره:

یک فلز گرانبها که معمولا آلیاژ می شود تا یک ترکیب پایدار تر به وجود بیاورد به نام نقره استرلینگ

انگشتر خاتم دار:

انگشتری با حروف یا طراحی حکاکی شده.

ناحیه اندازه:

ناحیه ای در کف تنه که فلز می تواند افزوده یا کاسته شود تا سایز انگشتر تغییر کند.

آویز کشویی:

یک آویز فاقد لوپ. شاید سوراخ هایی برای عبور زنجیر داشته باشد.

Solitaire:

قطعه جواهری که برای نگه داشتن یک عدد الماس طراحی شده.

فولاد ضد زنگ:

یک فلز مدرن مقاوم در برابر زنگ زدن و تیرگی (حاوی کروم یا نیکل)

نقره استرلینگ:

یک فلز گرانبهای شامل 92.5% نقره و مس یا فلز دیگری.

گوشواره میخی:

گوشواره ای که توسط یک میخ یا میله از سوراخ گوش رد شده و توسط یک پستی گوش محکم می شود.

سین کلاسنیک:

سطح یا بخشی از سطح که به همان سمت و در تمام جهات خم شده است

رویه:

بخش فوقانی و مسطح یک سنگ برش خورده

مخراج کاری فشاری:

یک نوع مخراج کاری که سنگ جواهر را بدون میله و با فشار در جای خود نگه می دارد.

حلقه سه نگینه:

حلقه ای که دارای سه سنگ جواهر اصلی است

نمای داخل انگشت:

نمایی از درون بخشی از حلقه که دربرگیرنده انگشت است.

گیره کراوات:

گیره ای برای نگه داشتن کراوات

تیتانیوم:

یک عنصر سفید مقاوم در برابر زنگ زدن با چگالی کم و استحکام زیاد که عمدتاً در سنگ های آذرین یافت می شود و در آلیاژ های هواپیماها استفاده می شود.

مخراج کاری تیرلیس:

یک ساختار مشبک کاری شده که به عنوان پشتیبانی از سنگ جواهر استفاده می شود.

پیرایه:

یک جزئی تزئینی که می تواند در مرحله پردازش به جواهر افزوده شده تا یک جواهر پردازش شده به دست آید.

اونس تروی:

یک واحد اندازه گیری برای وزن فلزات با ارزش که برابر با 31.10 گرم است. هر اونس برابر 20 پنی وزن شامل 24 گرین است (هر گرین برابر است با 0/0648 گرم)

تنگستن:

یک فلز مدرن که به تعداد مساوی اتم تنگستن و کربن دارد.

دوتایی یا دوگانه:

یک قطعه جواهر که شامل دو فلز یا دو آلیاژ است.

جواهر نیمه پردازش شده مخراج کاری نشده:

حلقه ای که برای نگه داشتن سنگ های جانبی پردازش شده است ولی هنوز هیچ سنگی روی آن سوار نشده و سری سنگ مرکزی قرار نگرفته است. می تواند به جای تنه هم استفاده شود.

ورمیل:

نقره زراندوز شده. FTC ماده ای را ورمیل می داند که از نقره استرلینگ تشکیل شده باشد و رویه آن با طلا پوشیده شده باشد و خلوص طلای آن کمتر از 10 قیراط نباشد که ضخامت حداقلی آن باید در حدود 2 و نیم میکرون از طلای خالص باشد.

حلقه ازدواج:

به حلقه رجوع شود.

طلای سفید:

یک آلیاژ سفید رنگ از طلا و نیکل و پلاتین و دیگر فلزات

:Work-hardened

تغییر در سختی فلز به دلیل خم شدن و فشار. فرآیند تفتن (حرارت دادن و سپس سرد کردن) می تواند برای برطرف کردن آن استفاده شود.